



Regenerating the Urban Planning Principles of the Isfahan School to Improve the Quality of the Urban Space in the Contemporary Era

Ali Zangiabadi^{1*}, Bahareh Tadayon², Ghodrat Noroozi³, Neda Norozi⁴

¹ Associate prof. of Urban planning Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran

² Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Isfahan Islamic Azad University, Isfahan, Iran

³ Assistant Professor of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

⁴ Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Isfahan Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract: What is seen in our cities today is not the urban space, but the empty spaces that are the result of the juxtaposition of buildings and the remaining pieces of the masses that bring less meaning and concept to mind. Maybe first, buildings are built in our city and then, what remains is the urban space. Therefore, this article has chosen Isfahan school as a bridge to communicate with the past and create historical continuity in urban spaces. The purpose of this research is to modernize the principles of the Isfahan school of urban planning with a modernizing approach based on the current needs of Isfahan City. Contemporization in this research does not mean returning to the past, but rather the optimal use of past principles and updating them with current conditions. In this research, the urban planning principles of the Isfahan school were collected based on interviews with experts and library studies. In the first step, the corresponding parameters of the research were obtained based on quantitative content analysis of expert interviews and library studies. In the following, the indicators are prioritized based on the Friedman test, and the 17 primary indicators enter the factor analysis cycle. The results indicate that 6 economic, social, level and per capita factors, access, physical, and historical monuments support 17 research criteria up to 86%.

Key Words: Regenerating, Isfahan School, Urban Space.

معاصر سازی اصول شهر سازی مکتب اصفهان به منظور ارتقای کیفیت فضای شهری در دوران معاصر

علی زنگی آبادی^{۱*}، بهاره تدین^۲، قدرت الله نوروزی^۳، ندا نوروزی^۴

۱- دانشیار گروه برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲- استادیار گروه شهر سازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، اصفهان، ایران

۳- استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۴- دانشجوی دکتری گروه شهر سازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸

چکیده

آنچه در شهرهای امروز ما دیده می‌شود، نه فضای شهری، که فضاهایی خالی محصول کنار هم قرار گرفتن بناها و تکه‌هایی باقی مانده از توده‌هایی است که کمتر معنا و مفهومی را به ذهن متبادر می‌کنند. شاید این گونه باشد که در شهر ما اول ساختمان‌ها ساخته می‌شوند و آنچه باقی می‌ماند فضای شهری است؛ از همین رو، این مقاله مکتب اصفهان را به عنوان پلی برای ارتباط با گذشته و ایجاد تداوم تاریخی در فضاهای شهری انتخاب کرده است. هدف از این پژوهش معاصر سازی اصول شهر سازی مکتب اصفهان با رویکرد معاصر سازی بر پایه نیازهای کنونی شهر اصفهان است. معاصر سازی در این پژوهش نه به معنای بازگشت به گذشته، بلکه به معنای استفاده بهینه از اصول گذشته و به‌هنگام کردن آن با شرایط کنونی است. در این پژوهش، اصول شهر سازی مکتب اصفهان هم بر اساس مصاحبه با کارشناسان و هم بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند و در نخستین گام، سنجه‌های متناظر پژوهش بر اساس تحلیل محتوای کمی مصاحبه کارشناسان و مطالعات کتابخانه‌ای به دست می‌آیند. در ادامه، شاخص‌ها بر اساس آزمون فریدمن اولویت بندی و ۱۷ سنجه اولیه وارد چرخه تحلیل عاملی می‌شوند. نتایج حاکی از آن است که ۶ عامل اقتصادی، اجتماعی، سطح و سرانه، دسترسی، کالبدی و آثار تاریخی از ۱۷ سنجه پژوهش تا میزان ۸۶ درصد پشتیبانی می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: معاصر سازی، مکتب اصفهان، فضای شهری.

* Corresponding Author: Ali Zangiabadi

E-mail address: a.zangiabadi@geo.ui.ac.ir, bahareh.tadayon@gmail.com, gh.noroozi@ase.ui.ac.ir, nedanoroozi211@gmail.com



2588-4867/ © 2025 University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

مقدمه

در یک اجماع عمومی به دست نیامده‌اند. این فضاها خلق‌الساعه است و به همین دلیل است که برای آن‌ها از واژه انتزاعی استفاده می‌کنند؛ زیرا از دل یک فرآیند بیرون نیامده‌اند. تمام فضاهای مدرنیستی با وجود زیبایی‌شان فضاهایی انتزاعی هستند؛ یعنی از جامعه، زمینه و بافت فرهنگی منتزع هستند و فضاهایی آبستره و تجریدی محسوب می‌شوند. فضاهای عمومی به عنوان منبعی مفید، محلی و روزمره و عاملی به منظور مشارکت اجتماعی محسوب می‌شوند و می‌توانند به ایجاد حس تعلق کمک کنند (دوست‌محمدی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۱۶).

نمونه‌های موفق فضاهای شهری که به عنوان میراث گذشته به ما رسیده‌اند، از دل فرآیندهای حاوی معنا و در تطابق با نیازهای روز و مکاتب فلسفی حاکم در دوره‌های زمانی مختلف بیرون آمده‌اند (حبیبی و صمدی کافی، ۱۳۹۹، ص. ۴۹). مکتب اصفهان به عنوان یکی از مکاتب تاریخی گذشته، حاوی اصول و توصیه‌هایی بر مبنای تداوم تاریخی، توجه به هویت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی شهر و در نظر گرفتن حس تعلق و کیفیت زندگی شهروندان است. از این نظر، این پژوهش مکتب اصفهان را به عنوان یکی از راهکارهای تطابق فضاهای شهری با تداوم تاریخی، هویت بافت و شرایط اجتماعی و اقتصادی آن به کار می‌برد. این به‌کارگیری نه به معنای تعریف دوباره شهر بر اساس اصول مکتب اصفهان، بلکه به معنای معاصر سازی این اصول بر اساس شرایط وضع موجود فعلی شهر اصفهان است. معاصر سازی الگوی تعاملی حفاظت و توسعه شهر است که گویای آن است که از یک سو، لازم است از میراث فرهنگی شهرهای تاریخی حفاظت شود و از سوی دیگر، لازم است زیرساخت‌های لازم برای رونق زندگی فعال شهری در آن‌ها فراهم آیند. توسعه شتابزده موجب وارد آمدن آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر بر میراث فرهنگی و تاریخی می‌شود؛ همان‌گونه که حفاظت موزه‌ای خود باعث تخریب بافت‌های باارزش شهری می‌شود. فقط بنایی می‌تواند در بافت باارزش شهری ساخته شود که علاوه بر احترام بر میراث گذشته و

افزایش جمعیت در دهه‌های اخیر توسعه‌های بی‌برنامه، گسترده‌گی شهرها و ناهمگونی فضاهای شهری را به همراه داشته است (کرمی و رضایی‌نژاد، ۱۳۹۹). فضای شهری پدیده‌ای است سازمان‌یافته از اطلاعاتی که در صورت مختلف فرم، عملکرد و معنا تجلی می‌یابد، بستر شکل‌گیری و ارتقای زندگی اجتماعی یک جامعه است که بیانگر فرهنگ و شیوه شهرنشینی یک تمدن است، عینیتی است برخاسته از تلفیق روابط اجتماعی، در بستری کالبدی، در زمینه‌ای معنایی و در راستای عملکردهای مورد نیاز جمعی انسانی (ماجدی و همکاران، ۱۴۰۰). آنچه در شهرهای امروز ما دیده می‌شود، نه فضای شهری، که فضاهایی خالی محصول کنار هم قرار گرفتن بناها و تکه‌هایی باقی‌مانده از توده‌هایی است که کمتر معنا و مفهومی را به ذهن متبادر می‌کنند. شاید این‌گونه باشد که در شهر ما اول ساختمان‌ها ساخته می‌شوند و آنچه باقی می‌ماند فضای شهری است. دورافتادگی فرهنگی، دور بودن از معیارها و اصولی که در تمامی محافل علمی و آکادمیک جزء پارامترهای لازم و ضروری هر فضای شهری شمرده می‌شوند، فاصله گرفتن از آنچه پیشینه ارزشمند این‌گونه فضاها نام می‌گیرد، کیفیت نامطلوب زیبایی‌شناسانه محیط شهری، توسعه شهری بدون در نظر گرفتن اهمیت و جایگاه ویژه فضای شهری در زندگی اجتماعی و تبعات منفی آن بر روحیه شهر (مردم و فعالیت‌ها)، استفاده به‌ناچار شهروندان از زمین‌های خالی در میان توده‌ها تحت عنوان فضای شهری و غیره از جمله موضوع‌هایی هستند که می‌توانند معرف وضع موجود باشند (مدنی‌پور، ۱۳۸۴، ص. ۱۷)؛ در صورتی که هر محیط شهری فضایی مادی است با ابعاد اجتماعی و روان شناختی‌اش. فضای شهری فقط عرصه جولان دادن مدل‌ها و نظریه‌های اقتصادی و نظام‌های پولی نیست، بلکه مکانی است برای جریان یافتن زندگی روزمره و بستری است برای تجربه‌های متنوع و به‌یادماندنی. امروزه، دلیل عدم موفقیت برخی از فضاهای شهری این است که این فضاها

ارزش اجتماعی در قلب بازسازی و مکان‌سازی راه‌هایی جدید از کار را باز می‌کند که مکان‌های عالی را ارائه می‌دهند که به مردمی که در آن شهر زندگی می‌کنند، خدمت می‌کنند. پیش‌نویس طرح جدید لندن رویکردی جامع را برای تشویق رشد خوب تعیین می‌کند. «ساخت جوامع قوی و فراگیر» در قلب آن است و جاه‌طلبی‌هایی روشن برای حمایت از مردم محلی بیشتر برای ایفای نقش‌های فعال در شکل دادن به محله‌های خود وجود دارند. هدف این پژوهش شناسایی شاخص‌های اثرگذار بر معاصر سازی اجتماعی طرح‌های واحد همسایگی در شهر لندن است. در گام نخست، هیئت دلفی از نخبگان واحدهای همسایگی شهری تشکیل شده است و بر اساس مصاحبه، مهم‌ترین شاخص‌های مدنظر استخراج شده‌اند. بر این اساس، شاخص‌های محیطی از جمله کاهش آلودگی‌های بصری، کنترل ارزش زمین، بهبود امنیت محلات، رسیدگی به فضای سبز شهری و نظافت شهری به عنوان اثرگذارترین شاخص‌ها به دست آمده‌اند (LSDC, 2023). در گذشته، ناهنجاری‌های ناشی از مکاتب کالبدی کمتر از دوره کنونی بوده‌اند. در دوره جهانی شدن و مدرنیته، هیچ کالبدی بر اساس بستر موضوعی‌اش سر از زمین برنیاورده است؛ بنابراین، موضوع‌هایی جدید در بحث درباره حفاظت و استفاده مجدد مطرح می‌شوند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که تمام انتخاب‌ها در فرآیندهای لایه‌نگاری شهری را می‌توان در منظری متفاوت، پس از مرحله «انطباق» تا «حفاظت از پتانسیل تکاملی» دید. در این پژوهش، از روش پرسشنامه برای شناسایی شاخص‌های مؤثر گذشته بر فضای شهری استفاده شده است. در همین راستا، تعداد ۱۲۳۰ پرسشنامه در سطح شهر بر اساس روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای توزیع شده‌اند و مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر گذشته که تمایلی به حضور دوباره آن‌ها در شهر بوده است، استخراج شده‌اند. شاخص‌هایی همچون افزایش باغ‌سازی، استفاده از مسیرهای دوچرخه، ایجاد پیوستگی در کالبد شهر و جلوگیری از تجاری‌سازی فضای شهری

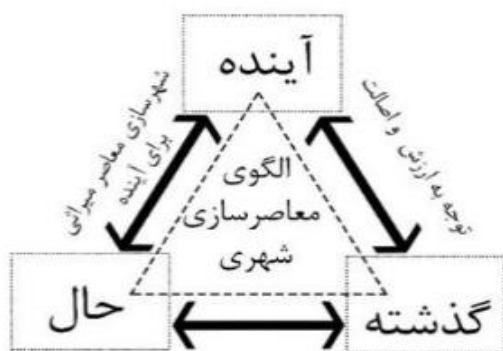
حفظ اصالت بافت، پاسخ‌گویی نیازهای معاصر باشد و بتواند به میراث فرهنگی شهرهای تاریخی بیفزاید و در نهایت، پاسخ‌گویی به عملکردهای مورد انتظار، خود نیز به میراثی برای آیندگان تبدیل شود. این الگو تلاش می‌کند تا تعاملی بین شیوه‌های اقدام مبتنی بر به‌سازی و نوسازی و بازسازی را مطرح کند (حبیب، ۱۳۹۷). در این میان، مکتب اصفهان می‌تواند به عنوان حلقه واسطه بهبود کیفیت فضاهای شهری در تطابق با تاریخ گذشته بر آن و همچنین، معاصر سازی فضاهای شهری نقشی مهم ایفا کند؛ از این رو، این پژوهش بر آن است تا با بهره‌گیری از فرایند معاصر سازی، ویژگی‌های مکتب اصفهان را تبیین کند. دغدغه این پژوهش ایجاد ارتباط و تداوم تاریخی بین اصفهان امروز و مکتب اصفهان به عنوان یکی از دوره‌های تاریخی موفق گذشته بر این شهر و برندیابی بر اساس این تداوم تاریخی است. معاصر سازی به عنوان یکی از رویکردهای اخیر در مرمت و بازسازی فضاهای شهری مطرح شده است. این رویکرد، رویکردی همه‌جانبه است که تمامی شاخص‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد. استفاده مجدد از سبک‌های شهرسازی و معماری گذشته موضوع بحث بسیار گسترده‌ای در دهه‌های گذشته بوده است. همچنین، در سطح بین‌المللی، با توجه به آگاهی از ارزش‌های فرهنگی و هویتی مصنوعات شهری، این موضوع بیش از پیش محوری شده است. لندن این اهداف جاه‌طلبانه را برای بازسازی و مکان‌سازی دارد که تعدادی زیاد از لندن‌ها در محله‌های خود به عنوان مکان سکونت خویش، فعالیت، گذران اوقات فراغت و ایجاد شغل کنند؛ با این حال، بیشتر اوقات، بازسازی چیزی است که برای جوامع «انجام می‌شود». مردم احساس می‌کنند از تصمیم‌هایی مهم که بر محله آن‌ها تأثیر می‌گذارند، کنار گذاشته شده‌اند. تحولاتی ایجاد می‌شوند که ممکن است اهداف اقتصادی و زیست‌محیطی شهر را برآورده کنند؛ اما نمی‌توانند زندگی مردمی را که در آن زندگی می‌کنند بهبود بخشند. کمیسیون توسعه پایدار لندن معتقد است قرار دادن

تاریخی را ارائه داده است. به چیدمان عملکردی، ساخت و ساز، ترکیب نماها، نوسازی عناصر و جزئیات معماری اشاره شده است (Poplatek, 2021). انجمن مدیریت شهری ایالات متحده آمریکا در پژوهشی چگونگی برنامه‌ریزی مجدد بافت‌های مستهلک شهری با هدف بازگرداندن آن‌ها به حیات شهری و معاصر سازی آن‌ها را بررسی کرده است. در این پژوهش، رئوس برنامه‌ریزی‌های قبلی و نتایج آن‌ها ارزیابی شده‌اند. در ادامه، پرسشنامه به منظور اولویت‌بندی اصول گذشته بر اساس نظرات مردم تدوین و توسط ۲۴۰ نفر تکمیل شده است. نتایج نشان‌دهنده این است که در طراحی گذشتگان، بیش از هر چیز، عوامل استفاده از فضای سبز، طراحی بلوارهای عریض و پراکندگی مراکز تجاری و تفریحی مدنظر مردم بوده‌اند (Community Resiliency Initiat, 2019). ارزیابی محدود عوامل تعیین‌کننده چندسطحی، فرآیندهای مبتنی بر مکان و عوامل تعیین‌کننده شهری که ظرفیت انطباقی بالقوه بافت شهری را شکل می‌دهند، نقشی جالب توجه در معاصر سازی بافت‌های شهری دارند و عدم توجه به تعاملات ظرفیت انطباقی بین موجودات اجتماعی از جمله پتانسیل ناسازگاری محلات شهری به بهبود شکاف‌های وضعیت کالبدی شهر کمک می‌کند که می‌تواند به اندازه کافی از برنامه‌ریزی سازگاری مناطق شهری در کشورهای در حال توسعه حمایت کند (Flórez & Labbé, 2019). مکتب اصفهان به عنوان یکی از مکاتب پیشین اصفهان که موجب رونق معماری و شهر سازی این دوره بوده است، می‌تواند به عنوان حلقه‌ای گمشده در وضعیت موجود اصفهان بررسی شود. این مکتب روح را برکالبد مقدم می‌شمارد و بر پایه روابط اجتماعی میان مردم در محله یا به طور کلی شهر استوار است. با بررسی ابعاد طراحی و برنامه‌ریزی شهری در این مکتب، یافته‌ها نشان می‌دهد از آنجا که این نگرش در شهر سازی، شهر را موجودی زنده و پویا می‌شمارد، فرهنگ و فرهنگ‌گرایی در جزء جزء آن نمود پیدا کرده است و به طور کلی، این مهم یک اصل جدایی‌ناپذیر در این مکتب شمرده می‌شود

از پراولویت‌ترین شاخص‌ها بوده‌اند (Yi & Lorenzo, 2023). در پژوهشی در شهر آمستردام، به منظور معاصر سازی بافت ناکارآمد شهری از روش تحلیل محتوای اسناد فرادست شهر استفاده شده است. در این روش، شعارهای در نظر گرفته شده برای منطقه شهری و محلات زیرمجموعه آن و مکاتب نظری، رهیافت‌ها و نظریه‌های مرتبط با معاصر سازی استخراج شده‌اند. در همین رابطه، از نرم‌افزار اطلس بهره برده شده است و ارتباط بین شاخص‌های پژوهش استخراج شده است. در نهایت، مدل بومی به منظور معاصر سازی بافت محلات تبیین شده است (Altrock, 2023). سازمان ملل متحد در برنامه‌ای دستور کاری را برای دولت‌های محلی در راستای معاصر سازی بافت‌های قدیمی منتشر کرده است. در این دستور کار، چک‌لیستی شامل شاخص‌های محیطی، اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و تاریخی گردآوری شده‌اند که در شناسایی بافت‌های واجد ارزش به منظور معاصر سازی کمک می‌کنند. در این دستور کار، معاصر سازی به عنوان یک اقدام پیچیده همه‌جانبه در راستای کنترل روند افزایشی تجاری سازی شهرها معرفی شده است (UN-Habitat, 2022). شهر سوپوت^۱ نه فقط با توجه به موقعیت و ارزش‌های طبیعی، بلکه به خاطر معماری مسکونی برجسته‌اش که قدمت آن به پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم باز می‌گردد، منحصربه‌فرد است. پس از جنگ جهانی دوم، بیشتر خانه‌ها از صاحبانشان گرفته شدند (ملی شدند). آن‌ها که از مراقبت صاحبان خود محروم شدند، در طول سال‌ها بیشتر و بیشتر و فرسوده شدند. در معماری قرن نوزدهم، مکتب سوپوست دارای ویژگی‌هایی همچون رعایت سلسله‌مراتب، استفاده از نور و رنگ در طراحی‌ها، استفاده از پلان‌های مستطیلی‌شکل و بهره‌گیری از فضای سبز بوده است. در پی فرسوده شدن شهر، این مکتب نیز به دست فراموشی سپرده شده است. این پژوهش مباحث کالبدی و ساختار فضایی شهر را پوشش داده است و اقدامات احتمالی با هدف احیای شکوه و ارزش فرهنگی سابق خانه‌های

ادبیات پژوهش معاصر سازی

در معاصر سازی، الگوی تعاملی حفاظت و توسعه مطرح می‌شود که گویای آن است که از یک سو، لازم است از میراث فرهنگی شهرهای تاریخی حفاظت شود و از سوی دیگر، لازم است زیرساخت‌های لازم برای رونق زندگی فعال شهری در آن‌ها فراهم آیند. توسعه شتابزده موجب وارد آمدن آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر بر میراث فرهنگی و تاریخی می‌شود؛ همان‌گونه که حفاظت موزه‌ای خود باعث تخریب بافت‌های باارزش شهری ساخته می‌شود که علاوه بر احترام به میراث گذشته و حفظ اصالت بافت، پاسخ‌گوی نیازهای معاصر باشد و بتواند به میراث فرهنگی شهرهای تاریخی ایران بیفزاید و در نهایت، پاسخ‌گویی به عملکردهای مورد انتظار، خود نیز به میراثی برای آیندگان تبدیل شود. این الگو تلاش می‌کند تا تعاملی بین شیوه‌های اقدام مبتنی بر به‌سازی و نوسازی و بازسازی را مطرح کند (فتاحی سده و افیونیان، ۱۴۰۲).



شکل ۱- الگوی ارتباطی معاصر سازی در بین گذشته، حال و آینده (حبیب، ۱۳۹۷)

با جمع بندی متون نظری در زمینه رویکرد معاصر سازی و نظریه‌های گوناگون نسبت به آن، نمودار زیر را می‌توان به عنوان جمع ابعاد و معیارهای مؤثر بر معاصر سازی ترسیم کرد. سه دسته از معیارهایی که مطابق نظریه‌ها بر معاصر سازی اثرگذار هستند، عبارت‌اند از: عوامل تاریخی، توسعه‌ای و آینده‌نگری.

معیارهای زمینه‌ای: معیارهای زمینه‌ای به عوامل

(فتاحی سده و افیونیان، ۱۴۰۲). در پژوهشی دیگر، مکتب اصفهان و آرای هایدگر^۱ درباره موضوع «مرکز» مقایسه شده‌اند. روش پژوهش متکی بر حوزه تفسیری با رویکرد تطبیقی است. در این پژوهش، بنیادهای هستی‌شناسانه این دو طیف که معنای لازم را به جهان و انسان یا عالم و آدم می‌بخشند بررسی تطبیقی می‌شوند. سپس، این مقوله‌ها بازخوانی معنای مرکز را در حوزه‌های سه‌گانه جهان، مکان و زندگی در ارتباط و پیوندی معنادار با هم به دست می‌دهند. یافته‌های این پژوهش به عنوان پیش‌فهم می‌تواند زمینه فهم دگرگونی در ساختارهای تاریخی معنابخش مرکز را در نسبت با دوران معاصر نیز میسر کند؛ وجهی که معطوف به دگرگون شدن فلسفه مکان از حوزه هستی‌شناسانه به حوزه زیست‌شناسانه بوده است (پرتوی و باقریان، ۱۴۰۰). بررسی آثار به‌جای مانده در اصفهان بیانگر آن است که معماری و شهر سازی دوره صفوی و به طور شاخص باغ‌ها، کاخ‌ها و خیابان‌های آن در اصول حاکم بر مکتب اصفهان ریشه دارد (قلی‌پور و مهدی‌نژاد، ۱۴۰۰). بیشترین مطالعه‌های انجام‌شده در حوزه مکتب اصفهان، شهر و شاکله آن را بررسی کرده‌اند و پژوهشگران به این نکته رسیده‌اند که شهر اصفهان و فضاهای شهری آن بر اساس نظام‌ها و مؤلفه‌های گیاه، هوا، آب، خاک، نور و نظم مقدس طرح‌ریزی شده‌اند (لقمانی و فرح‌زاد، ۱۳۹۸). بر اساس پیشینه‌های بررسی‌شده، کلیدواژه معاصر سازی به عنوان یکی از کلیدواژه‌های روز دارای چارچوبی برگرفته از پیشینه‌های تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهر است. در بیشتر پژوهش‌های بررسی‌شده، اگرچه داعیه بررسی همه شاخص‌ها در همه ابعادهای شهری وجود داشته است، در نهایت، مؤلفه کالبدی بیشترین سنج را در مدل نهایی داشته است؛ به این ترتیب، این پژوهش در مغایرت با پیشینه‌های بررسی‌شده کلیدواژه معاصر سازی را نه فقط در مؤلفه‌های کالبدی، بلکه در تمام ابعاد شهر مؤثر می‌داند؛ از همین رو، مکتب اصفهان به عنوان یکی از کلیدواژه‌های اساسی پژوهش انتخاب شده است.

هوشمندانه شهرسازی تاریخی و معاصر نیز تأکید شده است (Faraudi & Eadreath, 2017).

مکتب اصفهان

واژه مکتب مانند سبک برای دسته‌بندی آرا و عقاید اندیشمندان، متفکران، ادیبان و هنرمندان در دوره‌های مختلف و برای نشان دادن ویژگی‌های مشترک بین آن‌ها به کار رفته است. در دوره صفویه، امتزاج تفکر شیعی با اندیشه عرفانی به همراه اندیشه فلسفی، مکتب اصفهان را به وجود می‌آورد که نقشی مهم در آفرینش هنری این دوره داشته است. زبان و قواعد دستوری مکتب اصفهان را می‌توان در دو گروه بررسی کرد: دسته اول اصول عام هستند که عمدتاً بر ابعاد فلسفی و حکمی ناظر هستند و فارغ از زمان و مکان هستند. دسته دوم اصول ویژه یا اصولی هستند که پایه زبان طراحی در معنای مادی آن را می‌سازند. پیرنیا نیز ویژگی‌های معماری سبک اصفهان را چنین برشمرده است: ساده شدن طرح ساختمان که بیشتر مربع یا مستطیل شکل است، به‌کارگیری هندسه ساده، شکل‌ها و خطوط شکسته، کاهش پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی ساختمان و رواج گوشه‌های پخ، پیمون‌بندی و بهره‌گیری از اندام‌ها و اندازه‌های یکسان در ساختمان و آشکار بودن سادگی طرح در بناها (پیرنیا، ۱۳۷۷). علاوه بر این، مکتب اصفهان اصول کلی را برای شهرسازی پیشنهاد داده است که در جدول زیر به آن‌ها اشاره شده است.

برگرفته از ارزش و اصالت اطلاق می‌شوند که در معاصر سازی مؤثر هستند. مهم‌ترین عامل زمینه‌ای ارزش‌های مشترک میان کنشگران، انسجام و اتحاد میان ساکنان هستند که در تعاریف و نظریه‌ها بر آن‌ها تأکید شده است. از دیگر عوامل مؤثر بر عوامل زمینه‌ای اصالت زمان است که از نقشی بسیار تأثیرگذار در هدایت جریان معاصر سازی برخوردار است. سنت و پارادایم حاکم نیز از دیگر عواملی هستند که در این زمینه حائز اهمیت تلقی شده‌اند (Correia & Schutz, 2023).

معیارهای توسعه‌ای: این معیارها به طور عمده در قالب تجدید نسل به معنای به‌روز نگه داشتن و پاسخ به نیازهای نو و تحت عنوان فرآیندهای طراحی، توسعه و مدیریت شناخته شده‌اند. از دیگر معیارهای این دسته مرمت موضعی، مشارکت اجتماعی و فرهنگی و افزایش کیفیت هستند. از آنجا که در هر فرآیند محرک توسعه، تأمین منابع مالی و ایجاد کاربری‌های محرک توسعه حائز اهمیت تلقی می‌شوند و بر آن‌ها تأکید شده است، در معاصر سازی نیز از مهم‌ترین عوامل شناخته می‌شوند (Ibid).

آینده‌نگری: در این زمینه، بر رسیدن به تعادلی پایدار میان مرمت شهری و حفاظت شهری و اهداف توسعه‌ای، توجه هم‌زمان به تغییرات آینده شهر، رسیدگی به جنبه‌هایی از میراث آینده و تأکید بر مفهوم میراث مشترک و میراث در خطر در عرصه جهانی تأکید شده است. همچنین، بر ایجاد سازمان فضایی مستقل و تلفیق

جدول ۱- اصول شهرسازی مکتب اصفهان

ردیف	اصل	تعریف
۱	سلسله‌مراتب	هیچ فضای شهری، بنا یا معماری را نمی‌توان فارغ از مراتب بالاتر یا پایین‌تر آن ایجاد کرد.
۲	کثرت	هر جزء و عنصری فارغ از دیگر اجزاء و عناصر، هویت، شخصیت و معنای خویش را دارد.
۳	وحدت	کل دارای هویتی یگانه می‌شود و شخصیتی ویژه را ارائه می‌دهد؛ فارغ از چگونگی ترکیب اجزاء و عناصرش.
۴	تمرکز	هر فضا با نحوه تمرکز بر اجزایش تعریفی ویژه می‌یابد.
۵	عدم تمرکز	پراکندگی فضای شهری موجب می‌شود بیانی واحد در مکان‌هایی متفاوت به کار گرفته شود.
۶	تجمع	جمع‌شدن عناصر متفاوت در یک مکان مشخص مفهومی ویژه به آن مکان می‌بخشد؛ مفهومی که از چارچوب مکان خارج می‌شود و هویت فضایی به آن می‌بخشد.
۷	تابین	اصولی که فضاها را از یکسانی، یکدستی و بی‌هویتی می‌رهاند.

ردیف	اصل	تعریف
۸	اتصال	هر فضا در پی وصل شدن به دیگر فضاها است.
۹	توازن	موزونی فضاها اصل توازن و تعادل در فضاها را به وجود می‌آورد.
۱۰	تناسب	نسبت ابعاد و اندازه‌ها، نسبت احجام و ساختمان‌ها، نسبت فضاهای انباشته و فضاهای تهی، نسبت سایه و روشن، نسبت محدودیت و بی‌کرائگی، نسبت انسان و فضا و ...
۱۱	تداوم	امری که در حال اتفاق می‌افتد، سر در گذشته دارد و پای در آینده می‌گذارد. اصل انقطاع در این تداوم است که معنا می‌یابد و سکون در این حرکت است که مفهوم می‌شود.
۱۲	قلمرو	هر فضای شهری از ذره‌فضا تا کلان‌فضای شهر حریم مخصوص خود را دارد؛ حریمی که دامنه درون را به بیرون می‌گستراند و محدوده‌های ویژه از برون را متعلق به درون می‌کند.
۱۳	سادگی	با پیروی از اصل سادگی است که فضاها به نریمی در خاطر می‌نشینند و خیال‌انگیز می‌شوند.
۱۴	پیچیدگی	فضاها زمانی معنا می‌یابند که در مکانی غیر معمول رخ دهند.
۱۵	ترکیب	دوام ترکیب اضداد در معماری و شهرسازی پایدار نخواهد ماند؛ مگر آنکه از تناسب در ترکیب‌ها برخوردار باشد تا بتواند روابط متقابل و متناظر اجزاء را به نمایش بگذارد.
۱۶	استقرار	هر جزء خود جهانی می‌شود کامل؛ زیرا هر جمله با معنایی در متن، مستقل و در عین حال، وابسته به دیگر اجزاء است.
۱۷	زمان	آنچه در زمان دچار دگرگونی می‌شود، صورت است نه محتوا. محتوای فضاهای شهری مانند محتوای واژه در بستر زمان چهره‌های متفاوت می‌یابد.
۱۸	ایجاز	هر فضا از سبکی تبعیت می‌کند که بتواند گسترده‌ترین مفهوم را در ساده‌ترین صورت بیان کند.
۱۹	استفاده از نمادها در صورت عام و خاص	وجود نمادها از این تشابه معکوس پیروی می‌کند که آنچه عالی‌ترین است در آنچه دون‌ترین است انعکاس می‌یابد.
۲۰	مقیاس انسانی و مردم‌واری	اجزاء و فضاهای خرد کاملاً انسانی هستند و با حضور انسان هویت می‌گیرند.

منبع: (حبیبی و رضوانی، ۱۳۹۰، ص. ۴۲)

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، اصول شهرسازی مکتب اصفهان هم بر اساس مصاحبه با کارشناسان و هم بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند و در نخستین گام، شاخص‌های متناظر پژوهش بر اساس تحلیل محتوای کمی مصاحبه کارشناسان و مطالعات کتابخانه‌ای به دست می‌آیند. فرآیند اخذ شاخص‌های متناسب با اصول شهرسازی مکتب اصفهان به صورت رفت‌و برگشتی پس از سه دوره احصاء شده است. در ادامه، بر اساس آزمون فریدمن، شاخص‌های پژوهش متناظر با ویژگی‌های حال حاضر فضاهای شهری اصفهان اولویت‌بندی شده‌اند. به عبارت دیگر، از هیئت دلفی پژوهش خواسته شده است تا شاخص‌هایی را به عنوان شاخص نهایی انتخاب کنند که راه‌گشای شرایط کنونی شهر اصفهان باشند و به نوعی در بافت کنونی شهر از آن‌ها غفلت شده باشد. علت انتخاب

آزمون فریدمن ناپارامتریک بودن داده‌های به دست آمده در این مرحله از پژوهش است. در گام بعدی، نتایج شاخص‌های گردآوری شده در گام قبل بر اساس آمارنامه‌ها و نقشه‌های موجود شهرداری اصفهان در قالب ۱۵ منطقه شهرداری اصفهان ردیابی شده است. در ادامه، یک مدل اولیه بر اساس ویژگی‌های شهرسازی مکتب اصفهان منطبق با نظرات هیئت دلفی استخراج و در قالب شاخص‌های مدنظر پژوهش تبیین شده است. سپس، از روش تحلیل عاملی به منظور تبیین مدل نهایی شاخص‌های مکتب اصفهان بهره گرفته شده است. جدول زیر نتایج حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و پرتکرارترین اصول مکتب اصفهان از نظر تعداد و درصد فراوانی را نشان می‌دهد. از همین جدول در سایر مراحل پژوهش استفاده شده است.

جدول ۳- سنجه‌های متناظر اصول شهرسازی مکتب اصفهان

ردیف	اصل	سنجه
۱	سلسله‌مراتب	مساحت معابر به مساحت کل محدوده
۲	کثرت	
۳	وحدت	مساحت بازآفرینی شده بافت فرسوده مساحت موجود تاریخی میانگین ارزش زمین
۴	تمرکز	احساس تعلق افراد در منطقه میزان مشارکت‌های اجتماعی میزان سرمایه اجتماعی
۵	عدم تمرکز	مساحت زمین‌های بایر در محدوده
۶	تجمع	مساحت فضاهای عمومی شهری میانگین حس تعلق شهروندان در مناطق میانگین رضایت شهروندان از زندگی در منطقه
۷	تباین	
۸	اتصال	
۹	توازن	میانگین تراکم ساختمانی در منطقه میانگین مساحت پلاک‌های مسکونی
۱۰	تناسب	نسبت فضاهای باز به مساحت محدوده سرانه فضای سبز نسبت فضاهای عمومی به مساحت محدوده مساحت فضاهای تجاری به کل محدوده
۱۱	تداوم	مساحت فضاهای بازآفرینی شده
۱۲	قلمرو	مساحت حریم محدوده به مساحت محدوده تعداد خیره‌های موجود در هر منطقه میزان مشارکت مردمی در هر منطقه
۱۳	سادگی	تعداد فضاهای شهری خاطره‌انگیز و حاوی معنا برای مردم شهر
۱۴	پیچیدگی	
۱۵	ترکیب	
۱۶	استقرار	
۱۷	زمان	تعداد عناصر تاریخی با قدمت زیاد تعداد عناصر تاریخی با ثبت ملی
۱۸	ایجاز	تعداد فضاهای با سبک معماری شاخص (قاجار، پهلوی، صفوی و ...)
۱۹	استفاده از نمادها در صورت عام و خاص	تعداد اماکن مطرح در سطح شهر از منظر معماری
۲۰	مقیاس انسانی و مردم‌واری	فضاهای عمومی قابل استفاده توسط مردم تراکم مسکونی در محدوده نسبت جمعیت به محدوده

جدول ۲- تعداد فراوانی اصول در منابع مورد مطالعه

ردیف	اصل	تعداد فراوانی در منابع تحت مطالعه	درصد فراوانی نسبت به کل
۱	سلسله‌مراتب	۱۸	۹۲
۲	کثرت	۱۸	۹۲
۳	وحدت	۲۰	۱۰۰
۴	تمرکز	۲۰	۱۰۰
۵	عدم تمرکز	۱۵	۷۵
۶	تجمع	۱۷	۸۵
۷	تباین	۱۷	۸۵
۸	اتصال	۸	۴۰
۹	توازن	۸	۴۰
۱۰	تناسب	۱۲	۶۰
۱۱	تداوم	۱۸	۹۲
۱۲	قلمرو	۱۷	۸۵
۱۳	سادگی	۸	۴۰
۱۴	پیچیدگی	۱۲	۶۰
۱۵	ترکیب	۱۲	۶۰
۱۶	استقرار	۱۵	۷۵
۱۷	زمان	۸	۴۰
۱۸	ایجاز	۸	۴۰
۱۹	استفاده از نمادها در صورت عام و خاص	۱۲	۶۰
۲۰	مقیاس انسانی و مردم‌واری	۱۸	۹۲

منبع: (توسلی، ۱۳۹۲؛ سامانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ معطریان، ۱۳۹۸؛ پورامینی، ۱۳۹۹؛ قلی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰؛ لقمانی و فرح‌زا، ۱۳۹۶؛ HaghghatBin, 2018).

یافته‌های پژوهش

در نخستین مرحله، از هیئت دلفی متشکل از ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه در حوزه معماری و شهرسازی خواسته شده است تا اصول شهرسازی مکاتب اصفهان را به سطح سنجه برسانند و شاخص‌های قابل به‌کارگیری را مشخص کنند. گفتنی است، این مرحله به صورت رفت و برگشت ۳ مرتبه تکرار شده است و اعضای هیئت دلفی بر جدول زیر به توافق رسیده‌اند.

در گام بعدی از هیئت دلفی خواسته شده است تا بر

شده‌اند.

جدول ۵- دو آزمون KMO و بارتلت

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.798
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	1398.021
	df	78
	Sig.	.000

در جدول بالا، مطابق نتایج آزمون KMO و آزمون کرویت بارتلت^۷، عدد 0.798 به دست آمده است که قابل قبول است و می‌توان تحلیل عاملی را برای سنجش داده‌ها به کار برد. همچنین، SIG آزمون برابر 0.000 به دست آمده است که فرض ناهمبستگی بودن متغیرها را رد کرده است؛ بنابراین، متغیرها با یکدیگر همبستگی دارند و می‌توان از تحلیل عاملی استفاده کرد.

جدول ۶- نتایج آزمون

Extraction	
میانگین ارزش زمین	.960
نسبت فضاهای عمومی به مساحت محدوده	.871
تعداد خیریه‌های موجود در منطقه	.938
مساحت معابر به کل محدوده	.912
مساحت تجاری به کل محدوده	.949
نسبت فضای باز به کل محدوده	.883
نسبت فضای بازآفرینی شده به کل محدوده	.929
مساحت زمین‌های بایر در محدوده	.883
میانگین رضایت شهروندان در منطقه	.770
میانگین تراکم ساختمانی در منطقه	.669
میانگین مشارکت مردمی	.748
نسبت جمعیت به محدوده	.928
تراکم مسکونی محدوده	.893
میانگین مساحت پلاک مسکونی	.725
مساحت تاریخی	.880
سرانه فضای سبز	.886
تعداد آثار تاریخی با ثبت ملی	.919

در جدول بالا، تمام نتایج ستون امتیازات بیش از 0.4 است که از میزان قابل قبول وابستگی شاخص‌های پژوهش نشان دارد. در ادامه، میزان پوشش‌دهی عوامل مستخرج از تحلیل عاملی از شاخص‌های پژوهش نشان داده شده است.

اساس شرایط کنونی شهر اصفهان میزان اولویت هر یک از شاخص‌های به‌دست‌آمده را مشخص کنند. در این مرحله، با توجه به ناپارامتریک بودن داده‌های به‌دست‌آمده از آزمون فریدمن استفاده شده است.

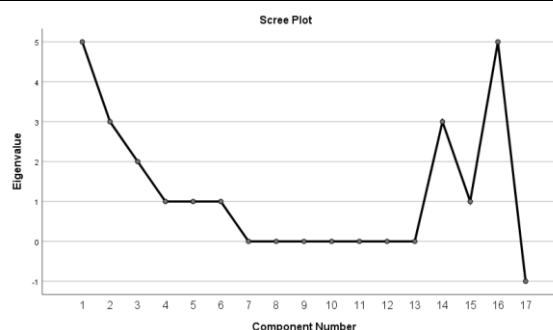
جدول ۴- امتیازات سنج‌ها بر اساس آزمون فریدمن

امتیاز	سنج
۱۶/۸	مساحت موجود تاریخی
۱۶/۶۴	میانگین ارزش زمین
۱۶/۲	نسبت فضاهای عمومی به مساحت محدوده
۱۵/۸	تعداد خیریه‌های موجود در هر منطقه
۱۵/۵	مساحت معابر به مساحت کل محدوده
۱۵/۴	سرانه فضای سبز
۱۵/۳	مساحت فضاهای تجاری به کل محدوده
۱۵/۲	نسبت فضاهای باز به مساحت محدوده
۱۵/۱	مساحت فضاهای بازآفرینی شده
۱۴/۹	مساحت زمین‌های بایر در محدوده
۱۴/۹	تعداد عناصر تاریخی با ثبت ملی
۱۴/۷	میانگین رضایت شهروندان از زندگی در منطقه
۱۴/۵	میانگین تراکم ساختمانی در منطقه
۱۴/۲	میزان مشارکت مردمی در هر منطقه
۱۳/۶	نسبت جمعیت به محدوده
۱۳/۲	تراکم مسکونی در محدوده
۱۳/۱	میانگین مساحت پلاک‌های مسکونی
۱۲/۸	میانگین حس تعلق شهروندان در مناطق
۱۲/۶	مساحت حریم محدوده به مساحت محدوده
۱۱/۲	تعداد فضاهای شهری خاطره‌انگیز و حاوی معنا برای مردم شهر
۱۱/۱	میزان سرمایه اجتماعی
۱۱/۱	تعداد عناصر تاریخی با قدمت زیاد
۱۱	تعداد فضاهای با سبک معماری شاخص (قاجار، پهلوی، صفوی و ...)
۹/۵	تعداد اماکن مطرح در سطح شهر از منظر معماری

مطابق جدول بالا، ۱۷ سنج مطابق بیشترین امتیاز به‌دست‌آمده - بر اساس دو چارک بالای امتیازها - وارد مرحله بعد می‌شوند. مابعد از این سنج‌ها در ۱۵ منطقه شهرداری اصفهان ردیابی و وارد چرخه تحلیل عاملی برای تقلیل داده می‌شوند. در اولین مرحله از تحلیل عاملی، دو آزمون بسندگی تعداد نمونه (KMO) و بارتلت^{۱۱} انجام

جدول ۷- نتایج واریانس تجمعی

Component	Extraction Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %
1	5.258	30.931	30.931
2	3.400	20.000	50.931
3	2.141	12.597	63.527
4	1.466	8.622	72.149
5	1.253	7.372	79.522
6	1.224	7.199	86.720



نمودار ۱- تعداد عوامل مستخرج از تحلیل عاملی

جدول ۸- اجزای ماتریس

	Component					
	1	2	3	4	5	6
میانگین ارزش زمین	.891	.237	.031	.301	-.118	-.075
نسبت فضاهای عمومی به مساحت محدوده	.845	.100	-.190	.017	.260	-.207
تعداد خیریه‌های موجود در منطقه	.372	.510	-.080	-.525	.360	.358
مساحت معابر به کل محدوده	.496	-.712	-.074	.361	-.142	-.047
مساحت تجاری به کل محدوده	.814	.253	-.051	.053	.460	-.076
نسبت فضای باز به کل محدوده	-.554	.490	.251	.440	.265	.101
نسبت فضای بازآفرینی شده به کل محدوده	.506	.659	-.030	-.230	-.316	.290
مساحت زمین‌های بایر در محدوده	-.631	-.148	-.373	-.013	.565	-.067
میانگین رضایت شهروندان در منطقه	-.485	.547	.219	.290	-.314	.070
میانگین تراکم ساختمانی در منطقه	.610	-.066	-.399	.326	-.143	-.085
میانگین مشارکت مردمی	-.564	-.327	.429	.183	.208	.250
نسبت جمعیت به محدوده	.032	-.227	.714	-.138	.145	-.570
تراکم مسکونی محدوده	.049	.567	.490	-.295	-.188	-.455
میانگین مساحت پلاک مسکونی	-.619	-.112	-.408	-.274	-.294	.040
مساحت بافت تاریخی	.506	-.602	.366	.078	-.044	.346
سرانه فضای سبز	-.046	.748	.137	.524	.111	.135
تعداد آثار تاریخی با ثبت ملی	.417	-.297	.654	-.186	.032	.441

این حالت، ماتریس Pattern را چک می‌کنیم تا مشخص شود وضعیت Cross Loadingها و میزان اختلاف آن‌ها به چه صورت است. در این مرحله، با $Kappa=3$ نتیجه مطلوب حاصل شده است و نتیجه دارای بیشترین سازگاری با چارچوب مفهومی پژوهش است.

بر اساس جدول بالا، در اولین گام با دوران Direct Oblimin=0 انجام می‌دهیم. نتایج اشتراکات قابل قبول نیست. در ماتریس ارتباط اجزادر اعداد خارج از قطر عدد بزرگ‌تر از $0/32$ داریم؛ در نتیجه، از روش دوران Promax با میزان عددی $Kappa=3$ استفاده می‌کنیم. در

جدول ۹- شاخص‌های مستخرج از هر عامل

	1	2	3	4	5	6
میانگین ارزش زمین	.880	-.100	.139	.713	-.157	-.153
نسبت فضاهای عمومی به مساحت محدوده	.902	-.354	.050	.399	.001	-.160
تعداد خیریه‌های موجود در منطقه	.290	.025	-.101	.319	.815	-.014
مساحت معابر به کل محدوده	.113	-.289	.136	-.014	-.127	-.802
مساحت تجاری به کل محدوده	.894	-.128	.114	.345	.181	-.070
نسبت فضای باز به کل محدوده	-.399	.196	-.196	-.260	.254	.956
نسبت فضای باز آفرینی شده به کل محدوده	.332	.128	-.813	.160	.517	-.083
مساحت زمین‌های بایر در محدوده	-.415	.081	-.278	-.805	.127	-.104
میانگین رضایت شهروندان در منطقه	-.488	.159	-.339	.165	.895	.233
میانگین تراکم ساختمانی در منطقه	.666	-.338	-.030	.388	-.366	-.497
میانگین مشارکت مردمی	-.330	.314	.422	-.635	-.861	.204
نسبت جمعیت به محدوده	.012	-.031	.366	-.173	-.766	.223
تراکم مسکونی محدوده	-.054	.330	-.262	.858	.415	.181
میانگین مساحت پلاک مسکونی	-.160	-.809	-.426	-.248	.070	-.188
مساحت بافت تاریخی	.383	-.412	.874	.028	-.469	-.151
سرانه فضای سبز	.072	.838	-.262	.267	.294	.074
تعداد آثار تاریخی با ثبت ملی	.218	-.153	.858	.114	-.044	.187

اجتماعی و دسترسی. جدول زیر نحوه قرار گرفتن هر یک از عوامل در ذیل عامل‌های مستخرج از تحلیل عاملی را نشان می‌دهد.

بنا بر نتایج به دست آمده، ۶ عامل شناسایی شده‌اند که بر اساس همبستگی بین نتایج این ۶ عامل به ترتیب عبارت‌اند از: اقتصادی، سطح و سرانه، آثار تاریخی، کالبد،

جدول ۱۰- نتایج مستخرج از تحلیل عاملی

سنجه‌های پژوهش			عوامل مستخرج از تحلیل عاملی	
میانگین تراکم ساختمانی در منطقه	مساحت تجاری به کل محدوده	نسبت فضاهای عمومی به مساحت محدوده	میانگین ارزش زمین	اقتصادی
-	-	میانگین مساحت پلاک مسکونی	سرانه فضای سبز	سطح و سرانه
-	تعداد آثار تاریخی با ثبت ملی	مساحت بافت تاریخی	نسبت فضای باز آفرینی شده به کل محدوده	آثار تاریخی
-	-	تراکم مسکونی محدوده	مساحت زمین‌های بایر در محدوده	کالبد
نسبت جمعیت به محدوده	میانگین مشارکت مردمی	میانگین رضایت شهروندان در منطقه	تعداد خیریه‌های موجود در منطقه	اجتماعی
-	-	نسبت فضای باز به کل محدوده	مساحت معابر به کل محدوده	دسترسی

نتیجه گیری

معاصر سازی فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می شود. در واقع، معاصر سازی ترکیبی از اقدامات و فعالیت های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی برای آفرینش مجدد احساس زندگی در بافت شهری با تأکید و توجه بر نظم موجود عناصر و سازمان فضایی بافت تاریخی شهر به منظور بهبود کالبد و تغییر عملکرد فضا، متناسب با نیازهای معاصر در راستای توسعه اقتصادی - کالبدی مجموعه و تقویت ویژگی های اجتماعی - فرهنگی بافت است (باقری و درسرخوان، ۱۳۹۸).

معاصر سازی با شناسایی هویت شکل دهنده فضای شهری با لحاظ ارزش های فرهنگ ایرانی و شناخت نیازهای جامعه انسانی به زیبایی همه جانبه معنوی و روانی و ظاهری از جهت های مختلف کیفی و کمی، نمایش تداوم تاریخی و ریشه تاریخی، تجلی امنیت روحی، روانی، معنوی و فرهنگی و مادی، اصالت، توازن، متعادل و هماهنگ منجر می شود. مکتب اصفهان نیز به عنوان یکی از مکاتب گذشته بر معماری و شهر سازی ایران دارای اصولی تعریف شده در حوزه شهر سازی است. زمان اوج گیری این مکتب یکی از موفق ترین روزگارهای گذشته بر شهر اصفهان بوده است و بیشتر آثار به جای مانده در اصفهان که امروزه مورد اقبال قرار گرفته اند، محصول این دوره هستند. از این نظر، این پژوهش مکتب اصفهان را به عنوان یکی از راهکارهای تطابق فضاهای شهری با تداوم تاریخی، هویت بافت و شرایط اجتماعی و اقتصادی آن به کار می برد. این به کارگیری نه به معنای تعریف دوباره شهر بر اساس اصول مکتب اصفهان، بلکه به معنای معاصر سازی این اصول بر اساس شرایط وضع موجود فعلی شهر اصفهان است. معاصر سازی الگوی تعاملی حفاظت و توسعه شهر است که گویای آن است که از یک سو، لازم است از میراث فرهنگی شهرهای تاریخی حفاظت شود و از سوی دیگر، لازم است زیرساخت های

لازم برای رونق زندگی فعال شهری در آنها فراهم آیند. توسعه شتاب زده موجب وارد آمدن آسیب هایی جبران ناپذیر بر میراث فرهنگی و تاریخی می شود؛ همان گونه که حفاظت موزه ای خود باعث تخریب بافت های با ارزش شهری می شود. فقط بنایی می تواند در بافت با ارزش شهری ساخته شود که علاوه بر احترام به میراث گذشته و حفظ اصالت بافت، پاسخ گوی نیازهای معاصر باشد و بتواند به میراث فرهنگی شهرهای تاریخی بیفزاید و در نهایت، پاسخ گویی به عملکردهای مورد انتظار، خود نیز به میراثی برای آیندگان تبدیل شود. در این پژوهش، اصول شهر سازی مکتب اصفهان هم بر اساس مصاحبه با کارشناسان و هم بر اساس مطالعات کتابخانه ای گردآوری شده اند و در نخستین گام، شاخص های متناظر پژوهش بر اساس تحلیل محتوای کمی مصاحبه کارشناسان و مطالعات کتابخانه ای به دست می آیند. فرآیند اخذ شاخص های متناسب با اصول شهر سازی مکتب اصفهان به صورت رفت و برگشتی پس از سه دوره احصاء شده است. در ادامه، بر اساس آزمون فریدمن، شاخص های پژوهش متناظر با ویژگی های حال حاضر فضاهای شهری اصفهان اولویت بندی می شوند. در این مرحله، تعداد ۱۷ سنجه از ۲۴ سنجه گردآوری شده از مرحله قبل به عنوان نتایج اولیه به دست می آیند. در گام بعدی، نتایج شاخص های گردآوری شده در گام قبل، بر اساس آمارنامه ها و نقشه های موجود شهرداری اصفهان در قالب ۱۵ منطقه شهرداری اصفهان ردیابی و یک مدل اولیه بر اساس ویژگی های شهر سازی مکتب اصفهان منطبق با نظرات هیئت دلفی استخراج و در قالب سنجه های مدنظر پژوهش تبیین می شود. در ادامه، از روش تحلیل عاملی به منظور تبیین مدل نهایی شاخص های مکتب اصفهان بهره گرفته شده است. بنا بر نتایج به دست آمده، ۶ عامل شناسایی شده اند که بر اساس همبستگی بین نتایج، این ۶ عامل به ترتیب عبارت اند از: اقتصادی، سطح و سرانه، آثار تاریخی، کالبد، اجتماعی و دسترسی. عامل نخست عامل اقتصادی است که سنجه های میانگین ارزش زمین، نسبت

- Research. <https://doi.org/10.1007/s10584-019-02534->
- HaghighatBin, M. (2018). *Sustainable design in urban green space of Isfahan during the Safavid era and its destruction in the contemporary era*. Hoviatshahr. <https://doi.org/20.1001.1.23224991.1391.2.1.2.2>
- LSDC. (2023). *Social Value in Regeneration and Placemaking*. LSDC@london.gov.uk
- Poplatek, J. (2021). Modernization of historical houses in Sopot: a case study. *Structural Studies, Repairs and Maintenance of Heritage Architecture XIII*, 197. <https://doi.org/10.2495/STR130171>
- UN-Habitat. (2022). *Urban regeneration as a tool for inclusive and sustainable recovery*. <https://unhabitat.org>
- Yi, S., & Lorenzo C. (2022). *Adaption of Historical Buildings: A Coevolutionary VOLUTIONARY Approach Applied To An Historical Palace In Vimercate* [Architectural -Biult Environment Interios - Ws Politecnico di Milano - Final Thesis]. <https://www.google.com>
- باقری، کریم، و درسخوان، رسول (۱۳۹۸). تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار در معاصر سازی بافت تاریخی - فرهنگی کلانشهر تبریز با تأکید بر حفظ هویت. *جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۱ (۴۲)، ۵۱۵-۵۳۰. https://www.jgeoqeshm.ir/article_130640.html
- پرتوی، پروین، و باقریان، محمدصابر (۱۴۰۰). بررسی مقایسه‌ای - تطبیقی معنای مرکز در آراء مکتب اصفهان و اندیشه‌های های‌ایدگر. *باغ نظر*، ۱۴ (۴۸). <https://ensani.ir/fa/article>
- پورامینی، محمدباقر (۱۳۹۸). بررسی رویکردهای کلامی مکتب اصفهان در عصر صفوی. *قیسات*، ۲۴ (۹۲). <https://ensani.ir/fa/article>
- پیرنیا، حسن (۱۳۷۷). *عصر اساتیری تاریخ ایران*. تهران: میرمند. <https://www.iranketab.ir/book>
- توسلی، محمود (۱۳۹۲). *طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری <https://ketab.ir/book>
- حبیب، فرح (۱۳۹۷). معاصر سازی محلات تاریخی با هدف مکان سازی فضاهای شهری. *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، ۱۰ (۳۶)، ۶۰-۶۱. <https://scholar.google.com>
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۷). فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره‌های جمعی. *صفه*، ۹ (۲۸)، ۱۶-۲۱.

فضاهای عمومی به مساحت محدوده، مساحت تجاری به کل محدوده و میانگین تراکم ساختمانی در منطقه را در بر می‌گیرد. عامل دوم سطح و سرانه است که سنجه‌های سرانه فضای سبز و میانگین مساحت پلاک مسکونی را در بر می‌گیرد. عامل سوم آثار تاریخی است که سنجه‌های نسبت فضای باز آفرینی شده به کل محدوده، مساحت بافت تاریخی و تعداد آثار تاریخی با ثبت ملی را در بر می‌گیرد. عامل چهارم کالبد است که سنجه‌های مساحت زمین‌های بایر در محدوده و تراکم مسکونی محدوده را در بر می‌گیرد. عامل پنجم اجتماعی است که سنجه‌های تعداد خیریه‌های موجود در منطقه، میانگین رضایت شهروندان در منطقه، میانگین مشارکت مردمی و نسبت جمعیت به محدوده را در بر گرفته است و عامل ششم دسترسی است که سنجه‌های مساحت معابر به کل محدوده و نسبت فضای باز به کل محدوده را شامل شده است. مطابق با نتایج به دست آمده معاصر سازی اصول شهرسازی مکتب اصفهان توسط این ۶ عامل و شاخص‌های مرتبط با آن انجام می‌گیرد. از پیشنهادات این پژوهش می‌توان به ارزیابی چرخه‌ای اصول شهرسازی مکتب اصفهان و تغییرات ناشی از آن در فضاهای شهری، میزان رضایت شهروندان از تغییرات ناشی از اصول این مکتب و میزان سازگاری با هویت تاریخی شهر اشاره نمود.

منابع

- Altrock, U. (2023). *Urban Regeneration in Europe*. Jahrbuch Stadterneuerung 2024/25. <https://doi.org/10.1007/978-3-031-64773-4>
- Community Resiliency Initiat. (2019). *Adaption Planning For Historic Properti*. Department of Economic Opportunity. <https://doi.org/10.1097/PHH.0b013e318268aed8>
- Correia, A., & Schutz, R. (2023). Destination Branding: A Critical Overview. *Journal of Quality Assurance in Hospitality & Tourism*. <https://doi.org/10.1080/1528008X.2012.645198>
- Faraudi, H., & Eadreach. M (2017). *Place branding—The Challenges of Getting It Right: Coping with Success and Rebuilding from Crises*. *Tourism and Hospitality*, 2(1), 173-189. <https://doi.org/10.3390/tourhosp2010010>
- Flórez, B., & Labbé, S. (2019). *Evaluating the Impact of Valuing People*. Institute for Health

ماجدی، حمید، منصوری، الهام و حاجی احمدی، آذین (۱۴۰۰). بازتعریف فضای شهری (مطالعه موردی: محور ولیعصر حدفاصل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر). مدیریت شهری، ۹(۲۷)، ۲۶۳-۲۸۳.

<https://www.sid.ir/paper/92021/fa>

مدنی پور، علی (۱۳۸۴). طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی - مکانی. شرکت پردازش و

برنامه‌ریزی شهری. <https://www.google.com/>

معطریان، مرضیه (۱۳۹۸). تحلیل نقش نشانه‌های شهری با تأکید بر روان‌شناسی محیطی (نمونه موردی مرکز تاریخی شهر اصفهان) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه پیام نور استان تهران]. <https://elmnet.ir/doc/10909624-51042>

ⁱ SOPOUT

ⁱⁱ Heidegger

ⁱⁱⁱ Bartlett

^{iv} Croit Bartlett

<https://www.sid.ir/paper/435585/fa>

حبیبی، سیدمحسن، و سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۹۰). مکتب اصفهان: زبان طراحی شهری در شهرهای کهن. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

حبیبی، سیدمحسن، و صمدی کافی، نگار (۱۳۹۹). پالیمپسست «لایه نگاری»؛ ابزاری برای تبیین کیستی شهر تاریخی. ص ۳۰ (۲).

<https://civilica.com/doc/1269438/>

دوست محمدی، حامد، مهدوی نژاد، محمدجواد، و کامیابی، سعید (۱۴۰۰). معاصر سازی ژنوم معماری ایرانی با استفاده از الگوریتم های ترکیبی، مورد مطالعاتی: مسکن معاصر سمنان. فصلنامه آرمان شهر نشریه علمی - پژوهشی معماری و شهرسازی، ۱۴(۳۷)، ۱۵-۲۷.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/>

سامانی مجید، علی، دستجردی، سیاوش، و کوزه گر، لطفعلی (۱۳۹۴). مکتب اصفهان و چالش‌های رودرروی آن (موضوع موردی متروی اصفهان). کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری دوره پنجم.

<https://sid.ir/search/journal/paper/%d>

فتاحی سده، نوید، و افیونیان، علی (۱۴۰۲). فرهنگ در مکتب شهرسازی اصفهان. دومین کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری، تبریز.

<https://civilica.com/doc/354405>

قلی‌پور، سودابه، و مهدی نژاد، جمال‌الدین (۱۴۰۰). بازنمود اصول مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی دوران صفویه در اصفهان. مجله علمی اثر، ۴۲(۲)، ۹۳.

<https://ensani.ir/fa/article/502229/>

کریمی، عسل، و رضایی نژاد، هادی (۱۳۹۹). راهکارهای مؤثر در خلق و تقویت فضاهای شهری ۲۴ ساعته (نمونه موردی: خیابان ستارخان تهران). فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۳(۶).

<https://doi.org/10.22054/urdp.2020.47332.1161>

لقمانی، نرگس، و فرح زاء، نریمان (۱۳۹۶). واکاوی مؤلفه‌های سازنده مکتب معماری اصفهان در نمونه مطالعاتی کاخ هشت بهشت اصفهان. کنفرانس پژوهش‌های معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران، شیراز.

<https://www.sid.ir/paper/895499/fa>